



معرفی کتاب

دکتر فریدون سیامک نژاد

نام کتاب:

تاریخ جنون در جامعه اسلامی دوره میانه

نویسنده:

مایکل دبلیو دالس

مترجم:

دکتر قربان بهزادیان نژاد

ناشر:

پژوهشکده تاریخ اسلام

نوبت چاپ:

اول - ۱۳۹۵

شمارگان:

۱۰۰۰ جلد

قیمت:

۴۵۰۰۰ تومان

آدرس ناشر:

خیابان ولی عصر (عج)، خیابان شهید عباسپور، خیابان رستگاران، شهر روز شرقی، شماره ۹، تلفن: ۳ - ۸۸۶۷۶۸۶۱

به دور از تحریف به منابع اصیل و لاجرم اطلاع محدود پژوهشگران از زمینه‌ها و پس زمینه‌های یک تحقیق علمی جامع، آغاز حرکتی اساسی و همه جانبه از سوی دانشمندان اسلامی به منظور تصحیح و تکمیل تلاش‌های گذشته ضروری است. اگر این حرکت، گسترده، غنی و متکی بر پیشرفته‌ترین روش‌های پژوهشی آغاز شود، بی‌شک تغییرات بنیادی در مسیر این گونه مطالعه‌ها در پژوهشگاه‌های مهم دنیا در زمینه تاریخ اسلام و مسایل مختلف آن، دور از دسترس نخواهد بود. هدف اساسی از تأسیس پژوهشکده تاریخ اسلام - که هم اکنون در آغاز راه است - گام زدن در راه تحقق این آرمان می‌باشد. این پژوهشکده با همت و پیگیری استادان ارزشمند تاریخ اسلام و رشته‌های پیوسته به آن، آغاز به کار کرده و برای نیل به اهداف مقدس خود، آماده همکاری با همه کسانی است که به این اهداف ایمان دارند. از این رو، پاسخ گویی به هزاران پرسش را که در خلال مطالعه ۱۴ قرن تاریخ اسلام مورد توجه خواننده و به‌خصوص پژوهشگران قرار می‌گیرد، وجه همت خود قرار داده است. تحقق این مهم با روش‌های گوناگون دنبال می‌شود، که نشر آثار پژوهشی استادان و کارشناسان - به صورت تألیف و یا ترجمه - مانند اثر حاضر، از جمله آن‌ها است. البته، برنامه‌هایی هم‌چون تشکیل کارگاه‌های تخصصی، نشست‌های علمی تخصصی و حمایت از پروژه‌های پژوهشی مورد نیاز نیز، برای تحقق هدف یاد شده در حال پیگیری و اجرا است که ضرورت دارد کیفیت و کمیت آن‌ها افزایش یابد. این مراکز، هم‌اکنون با شش گروه علمی و زیر نظر شورای علمی فعالیت می‌کند، که انشاءالله به زودی

همکار عزیز و دوست گرامی جناب آقای دکتر قربان بهزادیان‌نژاد، استاد فرهیخته و سختی‌دیده دانشگاه تربیت مدرس، کتاب‌های زیادی را تألیف و ترجمه کرده‌اند که نشان‌دهنده استعداد و توانایی بالای ایشان است. از جمله ترجمه‌های خوب و با ارزش ایشان، کتابی است با نام «تاریخ جنون در جامعه اسلامی دوره میانه» که به دستم رسیده است. به‌منظور اظهار ارادت نسبت به ایشان و هدیه مناسبی برای مخاطبان رازی، اقدام به معرفی آن می‌کنیم. آقای دکتر بهزادیان‌نژاد مقدمه مطول و جالبی نگاشته‌اند که به آن می‌پردازیم. قبل از آن، سخن اول کتاب را به قلم آقای سیدهادی خامنه‌ای، رئیس پژوهشکده تاریخ اسلام (ناشر کتاب) مرور می‌کنیم. در این مطلب می‌خوانیم که:

«تاریخ هر امت و جامعه‌ای بیانگر فرهنگ و تمدن آن است. به همین دلیل، علم تاریخ در میان علوم، جایگاهی ویژه یافته است. جامعه اسلامی به‌عنوان یک امت جهانی، دارای چهارده قرن سابقه تاریخی با ابعاد و عناصری روشن و بدون ابهام است. اهمیت این پیشینه تاریخی و ابعاد گوناگون آن، مانند فرهنگ، تمدن، علوم، اخلاق، فلسفه و هنر نقش بی‌بدیل آن در تمدن جهان معاصر، تلاش گسترده دانشگاه‌ها و دانشمندان غربی را نیز در راه تحقیق و مطالعه این تاریخ عظیم برانگیخته است، تا بدان پایه که معتبرترین منابع و اطلاعات پژوهشی در حوزه‌های گوناگون تاریخ اسلام را در مراکز علمی غرب می‌توان سراغ گرفت.

به رغم توجه ویژه پژوهشگاه‌های دنیای غرب به اسلام، به‌علت ناتوانی ذاتی آن‌ها از شناخت اسلام ناب و حقیقی - به دلیل عدم دسترسی مستقیم و

چو ما را نیست جز تقصیر طاعت
 چه وزن آریم؟ مثنوی کم بضاعت
 کنون چون افتاد این کار ما را
 خداوندا به ما بگذار، ما را
 مبرّا از کم چون و چرایی
 وراى عالم خلف و وراىی
 خدايا رحمت دریای عام است
 وز آن جا قطره‌ای ما را تمام است

عطار نیشابوری

جنون، مجنون، جن زده ... و معادل فارسی آن‌ها دیوانه، دیوانگی، دیوزده ... و واژگانی هستند که در این کتاب در بستر تاریخ پزشکی دوره‌های مختلف بررسی شده است. تاریخی که با پیدایش بشر و در اثر تعامل انسان با محیط جاندار و بی‌جان اطراف خود شکل گرفت و در فرآیند کنش متقابل با آن‌ها و به موازات دستیابی و تسلط بشر بر طبیعت و جانداران تکامل یافت. در این مسیر آن‌گاه که شناختی به‌دست آمد، ناشناخته‌هایی فراوان دیگر نمایان شد و در برابر آن‌سوه فزاینده آن‌ها ترس، پدیدار و بیماری‌های روانی به‌وجود آمد که بشر برای مقابله با آن‌ها به موجودهای فرازمینی و فرامکانی توسل جست. در نتیجه جادو، جادوگری و ... به‌صورت حرفه‌ای پرمز و راز درآمد. به هر حال شکل‌گیری تجربه‌های درمانی را که امروز از آن به‌عنوان تاریخ پرفراز و فرود پزشکی یاد می‌کنیم با دو ویژگی بارز در جوامع اولیه همراه است؛ یکی به رابطه انسان و محیط وابسته است، بدین معنا که انسان اولیه آن‌گاه که برای امرار معاش و تأمین نیازهای بسیار ساده خود به کوی و صحرا می‌رفت، گیاهی را می‌خورد و از آن سیر می‌شد،

تعداد آن‌ها به دو برابر افزایش خواهد یافت. از جمله اقدام‌های کم‌سابقه پژوهشکده، تأسیس دانشنامه جغرافیای تاریخی جهان اسلام است که به زودی اولین مجلد آن عرضه خواهد شد. این دانشنامه با ریاست یکی از استادان در شش گروه علمی مشغول فعالیت است و هزاران مدخل را - تاکنون - همراه با منابع اصلی آن در پایگاه اینترنتی عرضه کرده است تا دسترسی محققان به منابع را آسان کند.

پژوهشکده تاریخ اسلام به‌وسیله پایگاه اینترنتی خود با همه پژوهشگران و علاقه‌مندان به مطالعه در سراسر جهان پیوند برقرار می‌کند. این پایگاه، علاوه بر انعکاس همه فعالیت‌های این مرکز علمی، بازتاب‌دهنده فعالیت‌های علمی انجام شده توسط مراکز و اشخاص دیگر در این رشته است. با فعال شدن پایگاه مزبور، دسترسی پژوهندگان به مرکزی جامع و همه‌جانبه، که انعکاس‌دهنده همه آثار موجود در زمینه تاریخ اسلام باشد، میسر خواهد شد.

علاوه بر آن، هم‌اکنون کتابخانه تخصصی (حقیقی و مجازی) فعال است و به تدریج فعال‌تر خواهد شد. از خداوند بزرگ، برای این تلاش و همه تلاشگران در راه حق و حقیقت، آرزوی موفقیت می‌کنم.»

همان‌گونه که اشاره شد، آقای دکتر قربان بهزادیان‌نژاد، مقدمه مطول و زیبایی را بر کتاب نگاشته‌اند که برای آشنایی همکاران با هم مرور می‌کنیم:

«خداوندا بی بی هوده گفتیم

فراوان بوده و نابوده گفتیم

اگرچه جرم عاصی صد جهان است

ولی یک ذره فضلت بیش از آن است

محلی و منطقه‌ای که بر پایه عوامل محیطی، جغرافیایی و عقیدتی خود شکل گرفته بود مواجه هستیم و بخشی از نیازهای جامعه خود را برطرف می‌ساختند، فعالیت داشته‌اند. اغلب ادیان الهی از جمله یهودیت، مسیحیت، زرتشتی‌گری ... و نیز صابئین، بودایی و ... در آموزه‌های خود از بیماری، سلامت و شیوه‌های دستیابی به آن سخن گفته‌اند و به پیروان خود اندرزها و آموزش‌هایی ارائه کرده‌اند. پزشکی یونانی نخستین مکتب پزشکی است که با آثار مکتوب خود از یک سو و نیز تربیت‌یافتگانش در تشکیل و تکامل پزشکی اسکندریه، جندی شاپور تأثیر شگرفی داشته (که در متن کتاب به تفصیل بحث شده است) و در ایران، روم، هند، چین و ... پزشکان و سنت پزشکی با ویژگی‌های دوره باستان فعال بوده است. به بیان حکیم ابوالقاسم فردوسی، پزشکی توسط جمشید پسر طهمورث و چهارمین پادشاه پیشدادی تأسیس شد. او همان کسی است که نوروز را بنیان‌گذاری کرد؛ جامه دوختن را به مردم آموخت؛ دستور به ساختن گرمابه و کاخ‌های بلند داد. استخراج گوهر از سنگ خارا و فرآوردن بوی‌های خوش را به مردم یاد داد و آن‌گاه پزشکی و درمان را به جهان ارزانی داشت. افزون بر این‌ها بیمارستان‌های بسیاری در جنگ‌ها در ایران‌زمین دایر بوده است. از نگاه اوستا، فریدون نخستین پزشک خردمندی است که رویین‌تن و فرخنده می‌باشد. هم اوست که بیماری و مرگ را به بند می‌کشد و برای نخستین‌بار با کارد و آتش، تب و ناخوشی را از بدن انسان دور می‌کند. اوست که به جست‌وجوی داروها و شیوه‌های درمانی می‌پردازد. برای نخستین‌بار به کارد پزشکی

گیاه دیگری او را سرمست می‌نمود و سومی او را می‌آزرد و گاه به مرگ وی می‌انجامید. مشاهده در حیوانات و نیز خوردن آن‌ها یا نیش زدن، گاز گرفتن ... آن‌ها می‌توانست پدیده‌هایی مشابه را نمایان سازد. در این میان تأثیرپذیری انسان از انسان‌های دیگر، محیط و ... نقش بایسته‌ای ایفا می‌کرد و دیگر آن که انسان با مشاهده پدیده‌ها و مواجهه با نادانسته‌ها رویدادهای مبهم را در ذهن خود می‌پروراند و از مسیر تفکر طبیعی خارج می‌شد و به انواع بیماری‌ها گرفتار می‌آمد. بدین‌سان می‌توان گفت دو رویکرد به این مشاهدات شکل گرفت. نگرش دوگانه‌گرا که انسان را ترکیبی از روح و جسم می‌داند، ریشه درد و رنج را تنها در ناهنجاری‌های جسمی جست‌وجو نمی‌کند. اعتقاد بر نیرویی در درون، قدرت شفادهنده‌ای را پیشنهاد می‌کند که خارج از اصلاح کارکردهای فیزیولوژیک و آناتومیک قادر به تأمین دوباره تندرستی و سلامتی است. در این نگاه دوگانه‌گرا جسم و روح هم‌زمان در ساختار سلامتی شرکت دارند؛ چنانچه اصلاح نقایص جسمی قادر به بازگرداندن سلامتی نباشد می‌توان از طریق نیروهای ناشناخته درون و نیروهای فرامادی به درمان و شفا امیدوار بود. در مقابل رویکردی یگانه‌انگار به دوسویی روح و جسم اعتقادی ندارد. در این سوی طیف، روح و جسم یا نمودهای مختلف یک جوهر واحد هستند یا اصلاً اعتقادی به هویتی غیر از جسم وجود ندارد. پس می‌توان گفت و دریافت که در دوره باستان و پیش از تاریخ صرف‌نظر از پزشکی علمی که در تمدن یونان وجود داشت و نوعی اقتدار سراسری را اعمال می‌کرد با دو رویکرد کلی در پزشکی‌های

(جراحی) مبادرت می‌کند و نیز با گیاهان دارویی و فلزات به نبرد با بیماری و مرگ ناهنگام و درد و تب، لرزه و بیماری اژانه و اژهوه و بیماری پلید (جذام)، مارگزیدگی و پوسیدگی و گندیدگی برمی‌خیزد و افزون بر این‌ها، سخن پزشک (یا روان‌پزشک) نیز شاخه‌ای از پزشکی دانسته شده است که همراه و همدوش کاردپزشک، گیاه‌پزشک به درمان بیماران مشغول می‌باشد.

بدین‌سان آمیختگی پزشکی و اسطوره، درمان و درد با خرافه نمایان می‌شود. کم‌کم تحت تأثیر رویدادها و عوامل مختلف (که موضوع بحث نیست) جهان به دوره میانه یا به تعبیری به قرون وسطی وارد شد. دوره‌ای که تقریباً از قرن پنجم میلادی آغاز و در قرن پانزدهم خاتمه می‌یابد. تاریخ‌نگاران این عهد را به دو دوره اولیه و پسین تقسیم می‌کنند. دوره میانه اولیه که حدود ۵۰۰ سال طول می‌کشد را برخی دوره سیاه، ظلمانی، عصر بی‌خبری و ... خوانده‌اند. این نام‌گذاری توسط تاریخ‌دان ایتالیایی فلاویو بیوند و در قرن پانزدهم پیشنهاد شد و به تدریج کاربرد نسبتاً فراگیری یافت. درباره این نام‌گذاری و این که تاریخ جهان به سه دوره باستان، میانه و مدرن تقسیم شود که قرون وسطای آن دارای ویژگی‌های منفی است و در آن مردم نادان و خرافاتی به حساب آیند و ادب، هنر و آموزش از میان برود و پیشرفت در همه زمینه‌ها باز ایستد، اختلاف نظر جدی بوده و هست. مثلاً دیوید نیکلاس می‌گوید قرون وسطی چیزی نبود جز هزار سال عقب‌ماندگی فکری و بی‌عدالتی اجتماعی که دوران کلاسیک باستانی را از عصر روشنگری جدا می‌کرد و برعکس جوزف آر استریر می‌نویسد:

«بسیاری از مردم فکر می‌کنند دوره میانه صرفاً گودال راکدی است بین قله‌های تمدن کلاسیک و نوزایی و تمام میراث ما از گذشته از روی پل‌هایی عبور داده شده که دانشمندان نوزایی روی گودال قرون وسطی برپا داشتند تا زمینه را برای بهره‌گیری از آموزه‌های یونانی - رومی فراهم آورند».

در هر حال درست است که نادانی و خرافه‌باوری در این دوره وجود داشت، ولی در یونان و روم باستان نیز دیده می‌شد. واقعیت این است که قرون وسطی عقب‌مانده‌تر از دنیای کلاسیک یونان و روم نبود و باید ادعان کرد همان‌گونه که نمی‌توان دوره هزارساله را یکسان پنداشت؛ جهان آن دوره از جمله محیط عربستان را نمی‌توان بدون تنوع در نظر گرفت. مثلاً بهره‌مندی قسمت‌های شمالی عربستان از مواهب طبیعی و فرهنگی بسیار بالاتر از بخش‌های جنوبی بوده است که مکه و مدینه در آن قرار دارد. در همین روزگار اولیه قرون وسطی است که پیامبر اسلام در کم‌برخوردترین منطقه عربستان چشم به جهان گشود، دعوی پیامبری‌اش را علنی و دعوت خود را آغاز کرد و دیری نپایید که پیروان و گروندگان به دین اسلام گستره وسیعی از جهان را که در آن‌ها فرهنگ‌ها، باورها، منابع تمدنی و درآمدی متفاوت ... داشتند در بر گرفت و حکومت بزرگ خلافت اسلامی را حاکم کردند. فاتحان در صدد مسلط نمودن فرهنگ باورهای اسلامی در سرزمین‌های فتح شده بودند. بدین‌سان آموزه‌های اسلامی (و قرآنی) که با پیشینه تاریخی - فرهنگی محیط عربی آمیخته شده بود در تعامل با فرهنگ‌ها و تمدن‌های این سرزمین‌ها قرار گرفت و در این فرآیند از خود پویایی نشان داد که تمدن جدیدی

ایفا نموده‌اند که می‌توان در قالب سه پرسش زیر درباره آن‌ها سخن گفت:

۱- نگاه قرآن و پیامبر^(ص) به ادیان، باورها و سنت‌های پیشینیان چگونه و از چه قاعده و روشی برخوردار بوده است؟

۲- اسلام در پاسخ به نیازهای ملموس فردی و اجتماعی انسان و مشخصاً بیماری‌ها، بلایا و مصایب اجتماعی به چه شیوه و راهکارهایی توسل جسته است؟

۳- نگاه اسلام به پدیده‌های ناشناخته در حوزه‌های مختلف به ویژه انسان و جهان‌های ماوراء چگونه بوده است؟

درباره پرسش نخست، خلاصه می‌توان گفت قرآن و سیره پیامبر^(ص) نشان‌دهنده پذیرش دستاوردهای بشری در حوزه‌های مختلف از جمله پزشکی است. این دستاوردها خواه توسط ادیان حاصل شده باشند یا دانشمندان و حتی تجربه‌هایی که به صورت باور عامه بودند، مورد احترام قرار داشت؛ نقل است که پیامبر بیماری را به مراجعه به پزشک برای معالجه ترغیب فرمودند. حاضران به ایشان گفتند که آن پزشک یهودی است و حضرت بار دیگر تأکید نمودند که پزشک است و به او مراجعه کنید و نیز در قرآن کریم بر درمان‌های معجزه آسای حضرت عیسی^(ع) صحه گذاشته شده است. پدیده‌ای که در میان مفسران بزرگ شیعه و سنی تردیدی در مورد آن وارد نشده است.

درخصوص پرسش دوم صاحب این قلم به هیچ‌وجه قصد ورود به بحث دراز دامنه‌ای که درباره شرور و بلایا در کلام اسلامی وجود داشته، نشانه‌ها و گفت‌وگوهایی که در زمینه قضا و قدر ارایه شده

به نام تمدن اسلامی به‌وجود آورد. تمدنی که درباره دوره درخشان، علل سر برآوردن، تأثیر آن بر دوران خویش و در سرنوشت بشر کنونی و نیز افول آن قلم‌فرسای‌های بسیاری صورت گرفته و نظریه‌های فراوانی ارایه شده است. با وجود گستره بحث‌هایی که تاکنون گفته و نوشته شده است هنوز زمینه و حوزه‌های بسیاری برای بررسی وجود دارند و شاید دلیل عمده چنین ضرورتی وضعیت کنونی جهان اسلام و احتمالاً اغراق‌ها و غلوها از یک سو و انکارها از سوی دیگر بر این دوره تاریخی سایه افکنده باشد. به نظر می‌رسد با شکل‌گیری رشته‌های علمی جدید همانند مردم‌شناسی، آسیب‌شناسی باستانی، ... و شناسایی نسخه‌های جدید و قدیمی به‌ویژه افزایش شمار دانشمندان و محققان مستقل در سطح جهان، امکان چنین فعالیت علمی فراهم آمده است و چشم‌انداز روشنی را پیش روی قرار داده است.

به هر حال تردیدی نیست که یکی از اجزای هر تمدنی از جمله تمدن اسلامی مسأله پزشکی، عناصر و مؤلفه‌های آن به‌ویژه بخش تماماً ناشناخته آن روزگاران و تا حدی ناشناخته کنونی، یعنی بیماری‌های روانی یا ذهنی است؛ زیرا این بیماری‌ها ضمن آن که از روندهای جاری و عمومی پیروی نموده و در درون بستر کلی جریان داشته‌اند، ویژگی‌های منحصر به فردی دارند (که در متن کتاب درباره آن‌ها بحث می‌شود) باز گردیم به این که در فرآیند تعامل آموزه‌های اسلامی و دیگر فرهنگ‌ها (از جمله فرهنگ شبه جزیره عربستان که برخی منابع به نادرست این دو را معادل هم دانسته‌اند) چند عامل نقش بسیار کلیدی و مؤثری

ندارد. اگرچه به نظر می‌رسد در فرآیند تاریخی، آمیختگی پزشکی علمی با فلسفه و فقه نوعی همسویی برای یافتن پاسخی در خور و شایسته به این مسأله مهم وجود داشته است (که نیاز به بررسی مستقلى دارد). بنابراین، شاید بتوان از عملکرد یا نتیجه‌ای که از این پدیده به صورت ملموس به دست آمده است سخن گفت و اهل نظر این شیوه را نوعی ساده‌سازی مسأله بدانند که قطعاً چنین نیز هست. به هر حال برخی بیماری‌ها و بلايا اگر نگوییم همزاد، لاقلاً همراه بشر بوده‌اند. مثلاً جذام، مالاریا، طاعون، سوء‌تغذیه، بیماری‌های ژنتیکی، ذهنی و ... را می‌توان نام برد که در مطالعه‌های آسیب‌شناسی باستان‌شناسی مشخص شده که از دورترین ایام شایع بوده‌اند و ادیان و ملت‌های گوناگون درباره مقابله با آن‌ها شیوه‌هایی را به کار می‌برده‌اند. چنان که در متن آمده و تاریخ‌نگاران مختلف بر آن صحنه گذاشته‌اند. در خصوص معلولیت‌های جسمی و ذهنی برخی از ملت‌ها از جمله یونانی‌ها، اعراب و ... چنین بیمارانی را در کودکی می‌کشتند یا چنین افرادی را به شهرهای خویش راه نمی‌دادند تا نسل و ملت خود را به نوعی سرآمد سازند یا مبتلایان به جذام (خوره) که چهره‌هایشان تغییر می‌یافت و گاه اندام‌هایشان را در اثر سوزاندن یا بریدن از دست می‌دادند و به تعبیری کرب‌المنظر می‌شدند از شهرها و روستاها می‌رانند. اینان چاره‌ای جز پناه گرفتن در بیابان‌ها نداشتند و یا در همه‌گیری‌هایی چون طاعون مسیحیان اروپایی، عامل به وجود آورنده را گناه، خارجی‌ها و به‌ویژه یهودیان می‌دانستند و به آزار و اذیت و گاه کشتار و اخراج آن‌ها از شهر مبادرت می‌کردند. در حالی که

هدف آموزه‌های اسلامی ادغام و پذیرش واقعیت‌ها و تأکید بر صبر است. نمونه‌های بارزی که شیوه مقابله جامعه اسلامی با چنین پدیده‌ها و مصادیق شرور را لاقلاً در حوزه پزشکی شکل داده و توجیه نموده‌اند می‌توان در مقابله پی‌گیرانه و سخت‌گیرانه کشتن کودکان، روایتی که تلف‌شدگان از طاعون را شهید قلمداد نموده و در ردیف کشته‌شدگان در جهاد قرار داده، حدیثی که ورود و خروج از منطقه طاعون‌زده را منع می‌نماید، این که در برخی از مکاتب فقهی اسلام مبتلایان به جذام را تا حد پذیرش امام جماعت می‌پذیرد ... و نیز روایاتی، مشاهده کرد که عیادت از بیماران را توصیه کرده است. حکایت‌ها و توصیه‌های روشنی وجود دارند که می‌گویند مسلمانان باید برای رویارویی به خود متکی باشند، تعامل و همکاری را در پیش بگیرند و با واقعیت‌ها مواجهه منصفانه‌ای داشته باشند تا دچار فراقنی نشوند.

اما درباره موضوع سوم بدون آن که در ورطه توجیه علمی واژگان، برداشت‌ها و باورهایی که در آموزه‌های دینی به ویژه در قرآن آمده است، بیفتیم و مثلاً وجود جن را معادل ژن و میکروارگانیسم‌ها بدانیم یا روایتی را که می‌گوید جن‌ها اولین موجوداتی هستند که پدیدار شدند همان فرضیه‌ای که بی‌هوازی‌ها (باکتری‌ها) نخستین موجودات هستند بخوانیم و امثال آن به نظر راقم این سطور، اسلام نه تنها دنیای ناشناخته‌ها و جهان‌های غیرزمینی را می‌پذیرد و پندآموزی از آن‌ها را یادآور می‌شود بلکه مسلمانان را به تأمل و اندیشه درباره آن‌ها به عنوان نشانه‌هایی از عظمت پروردگار فرامی‌خواند و تصویری عادی درباره

شارلمانی نام برد.

در مجموع، پزشکی در جامعه اسلامی دوره میانه نه تنها در روزگار و زمانه خود به ارایه خدمات مناسب مبادرت نمود، بلکه با ترجمه‌هایی که از آثار این دوره به لاتین برگردانده شد، در شکل‌گیری پزشکی مدرن غربی و نظریه‌های پایه‌ای که موجب انقلابی در شناخت و درمان بیماری‌ها گردید نقش ایفا نمود؛ اما درباره جنون یا بیماری‌های روانی در این دوره شاید نتوان یک نظریه واحد ارایه کرد. چنان‌که در فصل‌های مختلف کتاب می‌توان به چنین شناختی رسید. ولی قطعاً نگاهی گذرا بر تضادهای حاکم در دوره‌های میانه و مدرن به فهم دقیق مسأله کمک خواهد کرد. مفاهیم و عناصر بنیادینی که دچار تحول اساسی شده و به شکل کنونی درآمد به اختصار عبارتند از:

۱ - عقل: مفهوم عقل در دوره میانه به‌ویژه در جهان اسلام مبنای طبقه‌بندی اندیشوران به دو گروه اشاعره و معتزله بوده است. این مفهوم مرکزی به زندگی روزمره مسلمانان وارد شد و مدارس فقهی - کلامی خاص خود را دایر و فعال کرد و در رویکرد به پزشکی نیز دخالت تامی داشت. پزشکی هم‌چون ابن‌سینا، رازی، ابن‌رشد و ... قایل به عقل و برخی از پزشکان نام‌آور همچون ابن‌رضوان باورمند به روایت هستند. بر این مبنا گفتمان‌های پزشکی جالینوسی، روایی (منتسب به پیامبر^(ص)) و معصومان^(ع) و بعضاً تلفیقی شکل گرفته است. به هر حال دیوانگی صرف‌نظر از این که عقل را چگونه تعریف کنیم انحراف یا نقصان عقلی تلقی می‌شود و زمانی مسأله پیچیده‌تر می‌شود که نگاه صوفیانه یا عرفانی به مقوله مورد بحث

زندگی موجودات و جهان‌های غیرقابل رؤیت ارایه می‌کند. تصویری که می‌تواند چشم‌انداز یا لااقل روزنه‌ای برای مطالعه فراهم آورد و مسلمانان را برای مواجه و رویارویی با ناشناخته‌ها آماده و مهیا سازد. پدیده مواجه با ناشناخته‌ها، که همیشه موجب ترس و نگرانی بوده و پی‌آمدهای ناخوشایندی را به همراه داشته است، یعنی همان دنیا‌هایی که با دانش کنونی بشر بسیاری از آن‌ها به‌صورت ذره‌بینی (میکروسکوپی) و دوربینی (تلسکوپی) شناخته شده و قطعاً در آینده بسیاری دیگر از آن‌ها کشف خواهند شد و خلاصه این که نوعی تضاد در کسب دانش ایجاد شد که توانست تکثر و تنوع را به رسمیت بشناسد و از آن‌ها بهره بگیرد. بنابراین، در پزشکی اسلامی در فرآیند شکل‌گیری و تحول تاریخی به وضوح می‌توان عناصری از آموزه‌های یونانی، رومی، سریانی، عربی، ایرانی، چینی، هندی و ... را یافت و در میان ارایه‌دهندگان خدمت، مسلمان، مسیحی، یهودی ... و نیز دیگر باورمندان را دید و نیز شیوه‌های طبیعی و ماوراءالطبیعی را ملاحظه کرد. افزون بر این‌ها، در نهادهای خدمت‌رسانی به‌ویژه بیمارستان‌ها اشکال عرفی تا کاملاً دینی و رقابت‌های متعارف مشاهده می‌شود. بدین‌سان می‌توان به‌عنوان نمونه اشاره داشت با وجود آن که ابن‌سینا و کتاب قانون وی در خلافت شرقی، استیلای فراوانی داشت، ولی در خلافت غربی او را نمی‌پذیرند و با نقدهای سرسختانه‌ای که از وی می‌کنند راه دیگری می‌پیمایند. این رقابت تنها درونی نیست و بین جهان اسلام و ممالک دیگر نیز جریان دارد. گمان می‌رود نقطه عطف چنین رقابتی را بتوان بین خلفای عباسی و پادشاهی

وارد می‌شود و تضادی دیگر به نام عشق و عقل (محبت و عقل) نمایان می‌گردد و نام‌آورانی چون مولوی از واژه مست عقل به جای مجنون (دیوانه) استفاده می‌نمایند. این مفهوم پر سروصدا و محوری در دوره مدرن تحت عنوان عقل ابزاری به میدان می‌آید و نقش‌آفرینی می‌کند.

۲- رازورزی: بحث از دیوانگی و درمان آن در دوره‌های باستان و میانه قطعاً و در دوره مدرن با توجه به ناشناخته‌های فراوانی که داشته و دارد و آمیختگی‌های شديدی که با مسایل فردی و اجتماعی داشته و نیز زمان‌مند بودن ابتلاء و درمان آن حکایت از همراهی با رازورزی‌ها دارد. پدیده‌ای که در سراسر تاریخ ذهن کنج‌کاو بشر را به دنبال خود کشانده است و انسان خاکی و خوگرفته با قواعد علت و معلولی طبیعی را به دنیای ماوراها و به رموز هستی و نیز خیال‌بافی‌ها و شیادی‌های رازورزانه برده است. بدین‌سان به وضوح می‌توان دریافت که چرا جنون (به مفهومی که در کتاب آمده است، کلیه بیماری‌های ذهنی) از یک سو ویژگی انسان‌های الهی و معجزهای آن‌ها، از دیگر سو انسان‌های معمولی و بیماران درمانده نیازمند به کمک و از منظر سوم شیبادان و حقه‌بازان را در بر می‌گیرد. به هر حال در شناخت و تمایز آن‌ها دشواری‌ها و حتی امکان‌ناپذیری‌هایی را جلو چشم خواننده نمایان می‌سازد. پدیده‌هایی که در نگاه نخست خاص دوره میانه دانسته می‌شود، ولی با تأمل در پیشینه آن روشن می‌شود، اریه‌ای است که از دوران باستان و نیز از مراکز عقل‌گرایی مانند یونان و دیگر مراکز علمی به ارث رسیده است. افزون بر این قطعاً محدود و محصور به جهان

اسلام در دوره محل بحث نیست؛ بلکه پدیده‌ای فراگیر و رایج در همه دوران‌ها بوده است. حتی در دوره مدرن که محوری‌ترین مفاهیم آن مقابله و حذف رازورزی است به شکل‌های مختلف در سراسر عالم و در قرن بیست و یک به شیوه‌های بسیار بدوی ادامه دارد و طرفدارانی از میان نخبگان و سرآمدان یافته است. به هر حال این رازورزی تنها در ادبیات و نوشته‌ها بازتاب ندارد بلکه به عرصه عمل و شیوه‌های کاربردی شفاهی وارد شده و به نسل‌های بعدی انتقال یافته و یا شاید بتوان گفت با آن که مدفون گشته ولی آثار تاریخی خود را بر جای نهاده است. همین آمیختگی دین، علم، جادو، خرافه و ... فهم مطالب و روایت‌های تاریخی و علمی را بسیار سخت می‌سازد.

۳- تجربه‌گرایی و ابطال‌پذیری: اگر به تاریخ نوزایی در اروپا مراجعه کنیم، در می‌یابیم که در رقابت بسیار سخت با عرب‌گرایی و یونانی‌گرایی تجربه‌گرایی که ریشه بسیار کهنی در پزشکی داشت؛ ولی به تدریج و در گذر زمان مغلوب سنت‌های مدرسی شده بود، جان دوباره‌ای گرفت. این مکتب به تدریج در عرصه‌های مختلف به‌ویژه در حوزه پزشکی، جراحی، روان‌پزشکی (روان‌شناسی) و داروسازی رشد یافت و پذیرش عام پیدا کرد و موجب رشد و بالندگی علمی گردید. در حالی که درمان‌های بیماری‌های روانی و درمان‌های شفابخش غالباً و نوعاً موردی و تکرارناپذیر بوده‌اند. بدین‌سان در خواهیم یافت موضوع کتاب به رغم آن که به یک موضوع خاص و کاملاً تخصصی می‌پردازد، ولی در چهارچوب کلان گفتارهای حاکم بر دوره میانه و عصر مدرن قرار دارد و بدون در

عرصه مسایل دینی و فقهی.

در توضیح بیشتر این ادعا یادآور می‌شوم که در دهه‌های گذشته به‌ویژه پس از آن که علوم در عرصه‌های مختلف و از جمله پزشکی از ادعاهای جزمی دست فرو شست و به کاستی‌های خویش از یک سو و توانمندی مکاتب مختلف پزشکی سنتی و جایگزین از سوی دیگر توجه نشان داد، اقبال به معالجات از طریقی جز پزشکی مدرن غربی در جامعه رشد فراوانی یافت. پدیده‌ای که در بیماری‌های جسمی به نظر می‌رسد تا حدودی قانونمند و نظارت‌پذیر شده است، لیکن، در رابطه با بیماری‌های روانی و ذهنی به چنین قاعده‌مندی دست نیافته‌ایم. بنابراین، بحث نظری و تاریخی در مورد شیوه‌هایی که در دین مبین اسلام مجازات‌های سنگینی را در پی دارد مانند جادوگری و یا برخی از رفتارهای نامتعارف را که شیوه درمانی آن روزگاران بوده است و حتی در ممالک غیراسلامی بیشتر شایع بوده‌اند نمی‌توان جز در بستر تاریخی خود تفسیر و تعبیر کرد.

۳ - شیوه‌های درمانی ظاهراً ممدوح نظیر دعا، شفاعت و نیز اماکن زیارتی که بعضاً در مطالعه‌های بیماری‌های جسمی به اثبات رسیده است. مثلاً تقویت سیستم ایمنی بدن در اثر دعا خوندن و یا تقویت روحی و تأثیر ژرفی که بر معالجات دارد. لیکن، متأسفانه در گذر تاریخ مورد سوء استفاده قرار گرفته و گاه ابزار شیطانی مدعیانی شده که تنها تذکر آن را در این مقدمه کافی می‌داند.

۴ - برای مطالعه تاریخ پزشکی دوره میانه به‌خصوص تشخیص و درمان بیماری‌های روانی (جنون) در شرق و غرب عالم پرداختن به سحر،

نظر داشتن این معنا درک مطالب آن دشوارتر از یک کتاب تاریخی و یا تاریخ اجتماعی یا علمی به نظر می‌رسد. با این توضیح بسیار اجمالی، بیان چند نکته دیگر را ضروری می‌داند:

۱ - کتاب گزارش جامعی است از یک موضوع تعریف نشده به نام دیوانگی یا جنون، کاری است در نوع خود بسیار ارزشمند و زمینه‌ای برای مطالعه‌های گسترده دیگر را فراهم آورده است. در عین حال باید در نظر داشت چنان که استاد مایکل دالس خود در مقدمه فاضلانهاش اشاره می‌کند واژگان و موضوع‌های ارایه شده را نمی‌شود معادل بیماری‌هایی که در حال حاضر به این نام خوانده می‌شوند دانست و از داده‌های حایز اهمیت آن استنباط صرف پزشکی و آن هم کاربردی داشت. چرا که چنین کاربردی نیازمند مطالعه‌های دقیق در زمینه تحول لغات و نیز انطباق یکایک بیماری‌ها و علایم با علم روان‌پزشکی و روان‌شناسی کنونی است. این سخن نباید به معنی کم اهمیت جلوه دادن و صرفاً یک نگاه مردم‌شناسانه به کتاب تلقی شود.

۲ - نکته دیگری که باید مدنظر داشت موضوع دیوانگی از منظرهای مختلف پزشکی، فقهی، مردم‌شناسی، فلسفی و ... مورد بررسی قرار گرفته است. از این رو گاه به موضوع‌ها به مثابه یک واقعیت اجتماعی اشاره نموده است که حتی در همان روزگار نیز جامعه با آن مخالفت جدید داشته است و در حال حاضر در جهان مدرن همان موضوع‌ها به شیوه‌ها و توجیهاات گوناگون در جامعه طرفدارانی دارد و مسایلی به‌وجود آورده‌اند. خواه این مسایل در حوزه پزشکی جلوه کرده باشد و یا

جادو، طلسم و نظایر آن اجتناب‌ناپذیر است؛ چرا که در این دوره بسیاری از بیماری‌های روانی ناشناخته بوده (و در حال حاضر نیز به نسبت بیماری‌های جسمی همین وضعیت وجود دارد) و واکنش انسانی در برابر ناشناخته‌ها به صورت طبیعی توسط به نیروهای ماورایی و گاه شیطانی است. از این رو شاید بتوان جادو و جادوگری را همزاد بشر دانست، ولی شروع جادوگری را بین‌النهرین باستان و در بین سومری‌ها خوانده‌اند. به هر حال در قرآن، بیش از ۵۰ مرتبه واژه سحر و مشتقات آن در سوره‌های بقره، طه، شعرا، یونس و ... آمده است و به طور کلی نظر بسیار منفی به این پدیده‌ها دارد و همه نوع آن را مذموم و عمل شیطانی دانسته است. به همین دلیل در فقه اسلامی (شافعی، حنبلی، مالکی، حنفی) حرام است و برای کسانی که به آموزش، ترویج و عمل به آن ... پیردازند، شدیدترین مجازات‌ها در نظر گرفته شده است و کاربرد در هر شرایطی به جز ابطال و خنثی کردن آن منع گردیده است. با این پدیده مذموم در میان شیعیان به تأسی از امامان معصوم^(ع) با سخت‌گیری بیشتری نگریسته شده است؛ چرا که امام علی^(ع) می‌فرماید هر کس سحر بیاموزد، زیاد یا کم کافر شده و رابطه‌اش با پروردگار به طور کلی قطع می‌شود و از امام صادق^(ع) روایت کرده‌اند که بر سر ساحر مسلمان ضربه‌ای شمشیر زده و او را بکشید و در ادامه می‌فرمایند که شرک و سحر با هم هستند و شرک از سحر بزرگ‌تر است. به هر حال جای بحث پردامنه‌ای چون سحر، جادو و طلسم و ... با دیرینه‌ای چنین دراز و آمیختگی بسیار زیاد با جامعه و آموزه‌های دینی در این مقدمه کوتاه نیست و مجالس مستقل

و تخصص ویژه را می‌طلبد.

۵- نویسنده کتاب از اسلام‌شناسان و مستشرقین نامدار است؛ لیکن، به نظر می‌رسد بیشتر بر روایت‌های اهل سنت و نیز تفاسیر آنان از مباحث قرآنی تکیه نموده و نظرات شیعی و امامان^(ع) در مباحث انعکاس نیافته است. شاید از این حیث بتوان به نوعی کاستی برای این کتاب قایل شد به هر حال انگیزه مستشرقان از پرداختن به چنین موضوعاتی محل تأمل و دقت است؛ چرا که هدف برخی از این افراد مخدوش ساختن چهره اسلام و نبی اکرم^(ص) است.

۶- نکته آخر این که خواننده باید توجه داشته باشد که در مطالعه چنین کتاب‌هایی باید به پذیرش نکات مثبت و تقویت پدیده‌هایی که دامن علم و جامعه اسلامی را از خرافه‌ها و موانع رشد انسان دور می‌سازد توجه شود. گمان می‌رود اگر به این اثر با دقت و با رویکرد علمی نگریسته شود چنان دستاوردی خواهد داشت و مترجم در حد بضاعت علمی و دسترسی به منابع هر جا که ضروری دانسته نکاتی افزوده است؛ ولی اذعان می‌کنم موضوعی به این پیچیدگی و گستردگی ابهامات بسیاری دارد که امکان توضیح مستند در اختیار نبوده است.

در پایان جا دارد از همه دوستان و استادان ارجمندی که مرا در انجام این ترجمه و انتشار آن کمک کرده‌اند، تشکر و قدردانی کنم و در این میان دوست فاضل و دانشمند جناب آقای دکتر ربانی و نیز عزیز صبور و اندیشمند جناب آقای سید علیرضا بهشتی که در دشواری‌های متن مرا یاری دادند صمیمانه و خالصانه درود بفرستم. از جناب آقای دکتر صادق حیدری‌نیا که زحمت

در زمان مرگش، دست‌نوشته‌هایش در انتشارات دانشگاه آکسفورد مراحل چاپ را سپری می‌کرد. مشاوران توضیحات و پیشنهادهای خود را به پست الکترونیکی ایشان فرستاده بودند. از جمله، کارهایی که باقی مانده و انجام آن‌ها ضروری می‌نمود، پاسخ به بررسی‌کنندگان، ویرایش نهایی و تکمیل یا افزودن پانویس‌ها بود.

وظیفه نظارت بر چاپ کتاب به من، واگذار شد. این کار به دلیل شاگردی، دستیاری تحقیقاتی طولانی‌مدت و دوستی با وی در کارنامه علمی‌ام تا مارس ۱۹۸۹ هنگام وداع ما بود. در این سال مایکل واقعاً زمان کم آورد و ما را ترک کرد. برای من، امتیاز بزرگ و در عین حال درد جانکاهی بود تا بر کتاب او که در ماه‌های آخر انتشار، قرار داشت کار کنم. در بهار و اوایل تابستان روی میز آشپزخانه کار می‌کردیم و در ماه‌های آخر در اتاق بیماری تأسفانگیز مایکل، تقلا می‌داشتیم. البته، شرح سرماخوردگی ظاهری و تشدید و شناخته شدن بیماری‌های دیگرش در حوصله این پیشگفتار نمی‌گنجد.

بدین‌سان، کتاب آخر دانشور مبتکر و دقیق مایکل دبلیو. دالس به پایان رسید و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت. او در کتاب‌های قبلی نیز چنان که این متن هم نشان می‌دهد، جنبه‌های محققانه و کمتر شناخته شده‌ای از جامعه اسلامی دوره میانه را مدنظر داشته است. تحقیق‌های دالس در میان معاصرانش تقریباً بی‌نظیر است و پیش از آن بررسی نشده است. از این رو، کتابی که پیش رو دارید از غنای روایت‌های دست اول و دوم درباره مردان و زنان و خانواده‌های جامعه

تهیه و کارهای اجرایی را تقبل کردند از جناب آقای حجتی که با دقت و هوشمندی زحمت ویرایش ادبی و علمی کتاب را انجام دادند از سرکار خانم دکتر نادری و نیز حجج‌الاسلام جناب آقای مهدی مهریزی که قسمت‌ها و مباحث دینی کتاب را مطالعه نمودند و جناب آقای سیدهادی خامنه‌ای که ضمن راهنمایی‌های ارزنده امکان چاپ کتاب را فراهم آوردند تشکر می‌کنم؛ از دوستانی که در مراحل مختلف ... یاری‌ام دادند به‌ویژه آقایان دکتر علیرضا رجایی، دکتر علیرضا رجبیان، سپاس گزارم. از جناب آقای خلیل قویدل مسؤول محترم انتشارات و همکاران عالیقدرشان و نیز شورای علمی پژوهشکده تاریخ اسلام صمیمانه تشکر و قدردانی می‌کنم. از جناب آقای دریایی که نمونه‌خوانی کتاب را انجام دادند، سپاس‌گزاری می‌شود. با نهایت تواضع اعلام می‌دارم که خواننده روشن‌بین بر مترجم منت نهد و کاستی‌های احتمالی را گوشزد نماید تا به حول و قوه الهی در چاپ‌های بعدی اعمال شود.

تقدیم به همسر گرانقدرم سرکار خانم زری مدیری دوم و فرزندان عزیزم نسیم، محدثه، ریحانه و مجتبی که سختی مشکل‌ها با صبوری و بزرگواری آنان به راحتی و فرصت تبدیل شد. خانم دیانا ای. ایمیش که شاگرد و دستیار نویسنده کتاب هستند نیز به عنوان کسی که نظارت بر چاپ کتاب را برعهده داشته‌اند، پیشگفتاری بر کتاب نگاشته‌اند که با هم مرور می‌کنیم:

«مایکل دبلیو، دالس^۱ در اول دسامبر ۱۹۸۹ و پس از یک سال تلاش برای تدوین نهایی کتاب تاریخ جنون در قرون میانه، دار فانی را وداع گفت.

ارتباط نزدیک داشتند تسلی دهد. اصرار داشت نشان بدهد هر کاری را که می‌خواستند در طول زندگی‌اش، انجام داده است. برای ما که عزادار او هستیم، می‌دانیم که اصرارش صحت نداشت. کتابش درباره تاریخ بیمارستان در جامعه اسلامی دوره میانه که کار مقدماتی‌اش فراهم شده بود، ناتمام ماند. بدین‌سان با مرگ ناگهانی دالس جامعه علمی از استعدادها و دانش فراوان او، محروم شد.»

در خاتمه، ضمن تشکر، قدردانی و آرزوی موفقیت و سلامتی برای آقای دکتر قربان بهزادیان‌نژاد برای ادامه کارهای خوب و قابل استفاده ایشان، مطالعه این کتاب را به همه همکاران و مخاطبان رازی، توصیه می‌کنیم.

زیرنویس

1. Michael W. Dols

و رویکرد فقهی به دیوانگی، برخوردار و موضوع محوری بحث نویسنده، بررسی دیوانه در بستر تاریخی است. بنابراین، مسأله بسیار دشوار و بغرنج دیوانگی را نه تنها در حوزه‌های پزشکی، الهیات، کلام، سحر و فقه بلکه در محیط اجتماعی جامعه اسلامی کنکاش و بررسی شده است. بدین‌سان، باید اذعان کرد تمام رویکردها درباره دیوانه بررسی شده است: زمینه پزشکی و ارتباط با توسعه علوم و نهادهای اسلامی؛ اعمال شفای دینی مخصوصاً در بین پرهیزکاران مسلمان و پدیده شیدای پارسا به‌عنوان بیان دین‌دارانه مسلمانان به بحث گذاشته شده است. کتاب با ترجمه سه بخش، دو مورد از ابن‌سینا و سومی از سرابیون ابوابراهیم به پایان می‌رسد.

مایکل به‌عنوان دانشور، محقق، نویسنده و استادی برجسته، بسیار دوست‌داشتنی بود. من می‌دانم که در تمام مدت، بیماری خود را پنهان می‌ساخت. او تلاش کرد، آن‌هایی را که با او